

موانع ارتباط در داستان های عاشقانه هزار و یک شب

قنبر قدوسیان^۱، *حسن بساک^۲، رضا اشرف زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات غنایی)، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۲ * دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول bassak@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

چکیده

یکی از نشانه های داستان های عاشقانه وجود مانع است که بیشترین بخش این داستان ها را در بر می گیرد. در این مقاله نخست هزار و یک شب از نظر محتوایی بررسی گردید سپس دوازده داستان عاشقانه به گونه ای انتخاب شد که بازگوکننده نشانه های غنایی سایر داستان ها نیز باشد تا بتوان نتایج پژوهش را علاوه بر داستان های هزار و یک شب، به سایر داستان های عاشقانه تعمیم داد. اهمیت این پژوهش در آن است که میزان دشواری موانع و چگونگی رفع آنها، علاوه بر آن که به جذابیت داستان می افزاید؛ ارتباط با سایر نشانه های عاشقانه از قبیل شرط، وصال، فریب، شرارت و... را نیز آشکار می سازد. نتایج این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیل محتوا بر اساس نظریه نشانه شناسی رولان بارت صورت گرفته است؛ نشان می دهد: ۱- در عشق های یک سو به نظیر حکایت دو وزیر، مانع اندک است. ۲- در داستان هایی نظیر حسن بصری و نورالنساء، بدر با سم و جوهری چون معشوق پری است؛ موانع از تنوع و بسامد بالاتری برخوردار است.

کلیدواژه: هزار و یک شب، نشانه شناسی، داستان های عاشقانه، موانع ارتباط.

۱. مقدمه

علم مطالعه نظام نشانه ها یا همان نشانه شناسی **Semiology**، اولین بار به وسیله فردینان دوسوسور (Saussure.F.de) زبان شناسی سوئیسی (۱۸۵۷-۱۹۱۳) مطرح گردید. در علم نشانه شناسی نویسنده با بهره گیری از دلالت های ضمنی، خواننده اثر ادبی را آگاه می کند تا به زیرساخت مفهیمی که مورد نظرش هست؛ دست یابد به این اعتبار زبان شناسان این نشانه ها را «رمزگان» می نامند. "بارت همه این رمزگان را از یک نظر نوعی رمزگان فرهنگی می داند که اساس یک گفتمان را در مرجعیتی علمی یا اخلاقی استوار می کنند." (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۶-۱۳۶) بر همین اساس بارت، ساختارگرایان، از جمله: ۱- ولادیمیر پراپ^۱ (۱۹۲۸) را نقد می کند زیرا آنها با مقایسه ساختار روایت و نحو یک جمله، به بررسی قصه ها می پردازند. او معتقد است ساختارگرایان به فعالیت های ذهن اهمیت زیادی می دهند. به این ترتیب به جای این که معنی هر عنصر متعلق به خود باشد؛ به ارتباطش با دیگر عناصر بستگی دارد. در نتیجه آن عنصر به تنهایی معنا ندارد. بارت با انتشار مقاله معروف «مرگ مؤلف»، پس از سوسور انقلابی عظیم به وجود آورد. به عقیده وی، وقتی یک اثر نوشته می شود؛ مؤلف آن اثر می میرد و خواننده اثر است که آن را باز تولید می نماید و معنی را زنده می سازد. بر همین اساس «نشانه ها فقط با توجه به معنی خاصی که دارند و بدون به میان آوردن عوامل تعیین کننده دیگر همچون روان شناسی، جامعه شناسی، تاریخی و... بررسی می شوند» (بارت، ۱۳۷۰: ۱۳۲) به همین علت او از اصل محدود کننده ای که «تناسب» می نامد؛ بهره می گیرد. «منظور از این اصل توصیف و توضیح واقعیتی است که از یک نقطه نظر جمع آوری شده اند. بنابراین در این تحقیق نیز فقط به واقعیت هایی پرداخته می شود که داستان هایی با مضامین عاشقانه کاربرد داشته باشد. (تمیم داری، ۱۳۹۱: ۳۱) بنابراین مهم ترین کاربرد نظریه نشانه شناسی در متون ادبی این است که در عملکرد اصلی خود راهگشای شناخت معنا یا معنای اثر است (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۰) هزار و یک شب که مجموعه ای از داستای عامیانه را در بر می گیرد در هندوستان در دوره هخامنشیان به ظهور رسیده این کتاب که به پهلوی آن را هزار انسان می گفتند احتمالاً قبل از حمله اسکندر به ایران آمده است. مهم ترین ترجمه این اثر به وسیله ملا عبداللطیف طسوجی در سال ۱۲۹۵ هجری قمری (معادل ۱۸۴۳ میلادی) صورت گرفته است.

۲. پرسش‌های پژوهش

از آنجا که ایجاد موانع و رفع آن مهم ترین عامل در پیش برد حوادث داستان های عاشقانه است؛ با توجه به این که معشوق از نظر جسمی ضعیف تر است چگونه انواع موانع را بر طرف می سازد. اکنون این پرسش ها مطرح می گردد که:

۱- آیا می توان گفت ارتباط معنا داری بین بن مایه ی سفر و تنوع موانع وجود دارد؟

۲- در عشق های یک سو به موانع اصلی چه مواردی را شامل می شوند؟

۳- تحلیل کلی موانع، با توجه به داستان بنیادین هزار و یک شب، بازگو کننده کدام دغدغه شهرزاد است؟

۳. پیشینه پژوهش

پژوهشگران و نویسندگان زیادی در تحقیقات خود به نثر غنایی در ادب فارسی پرداخته اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- هوانسیان، ریچارد جی و جورج صباغ (۱۳۹۰) هزار و یک شب در ادبیات و جامعه اسلامی ترجمه فریدون بدره ای چاپ اول، تهران هرمس.

۲- پینالت، دیوید (۱۳۹۰) شیوه های داستان پردازی، هزار و یک شب، ترجمه فریدون بدره ای، شرکت نشر کتاب هرمس.

۳- شاه مرادیان کامران و ابراهیمی شایسته (۱۳۹۳) طبقه بندی و ریشه یابی داستان های عاشقانه هزار و یک شب؛ کهن نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۸۹-۶۷ با رویکرد نقد ساختار به طبقه بندی و ریشه یابی داستان های هزار و یک شب پرداخته است. در اغلب پژوهش ها بررسی نشانه شناسی متون منثور غنایی، کمتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است و در هیچ یک از آثار یاد شده موانع ارتباط در داستان های عاشقانه هزار و یک شب به صورت مجزا و مستقل بررسی نشده است و از این حیث این مقاله پژوهشی جدید محسوب می شود.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، دوازده داستان از داستان های عاشقانه هزار و یک شب به گونه ای انتخاب شده که انواع عشق ها را در برداشته باشد علاوه بر آن شامل داستان هایی از ملل گوناگون از جمله: مصری، عراقی، بغدادی، هندی و ایرانی و... می شود (رک: شاه مرادیان و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۷). از لحاظ نشانه شناسی نیز داستان های یاد شده اغلب نشانه های ۲۴ گانه غنایی را در بر دارند تا از این رهگذر با توجه به اهمیت و فایده پژوهش؛ در گام نخست به شناخت جامع داستان های عاشقانه هزار و یک شب دست یابیم و در گام دوم بتوان الگویی وضع نمود تا براساس آن سایر داستان های عاشقانه تحلیل و توصیف گردد و در گام سوم پیوند این داستان ها با داستان بنیادین هزار و یک شب یعنی داستان شهرزاد، آشکار گردد. در این پژوهش ابتدا تمام داستان های هزار و یک شب مطالعه شد و از میان آنها داستان های عاشقانه برگزیده شد. سپس از بین تمامی داستان ها به انتخاب دوازده داستان عاشقانه با توجه به اهداف پژوهش پرداخت. ملاک انتخاب هر یک از موانع ارتباط تکرار شدن بیش از یک بار آن نشانه در دو داستان است. لازم به ذکر است برخی از موانع در داستان های مورد بحث تنها یک مورد وجود داشت ولی چون در سایر داستان ها نشانه تکرار شونده بود مورد بررسی قرار گرفت. نظیر کم کردن قیمت (معشوق)، بذل مال (عاشق)، (رک نمودار شماره ۲) در ضمن تکرار و گسترش الگواژ اهمیت بسزایی در نشانه شناسی برخوردار است: «تکرار یک نشانه در نظام است که موجب می شود بتوانیم آن را جزء الگویی قرار دهیم که قابل تعمیم به هر داستان عاشقانه منثوری باشد. برای تعیین چنین الگویی قبل از پرداختن به محور همنشینی به محور جانشینی در نظام می پردازیم که براساس آن ۲۴ نشانه مشخص شده است. پس از آن با توجه به طرح داستان به تعیین محور همنشینی می پردازیم اما از آن جا که در بررسی های نشانه شناسی داستان، علاوه بر کنش ها، با شخصیت ها و موقعیت هایی نیز روبرو می شویم که می توانند در حکم نشانه عمل کنند.» (تمیم داری، ۱۳۹۱: ۳۱) بر این اساس می توان الگوها را گسترش داد به عنوان مثال: شرط، آزمایش، سفر و... را به عنوان یک نشانه ی تکرار شونده، به الگوی ۲۴ گانه افزود. بنابراین موانع ارتباط به عنوان یکی از نشانه های عاشقانه در محور همنشینی با عواملی چون شرط، آزمایش، محبوس شدن، فرار، فریب، هجران، مرگ و... در ارتباط است. موارد یاد شده شامل کنش ها، شخصیت ها و موقعیت ها می شوند. بنابراین «هر اثر می تواند نظامی مرکب از نشانه های تودرتو باشد که در یکدیگر تعبیه شده اند، نتیجه بررسی دست یافتن به محور همنشینی واحدی نخواهد بود، بلکه چندین محور همنشینی از نشانه هایی که براساس محور جانشینی تعیین شده اند، شکل خواهد گرفت.» (همان: ۳۲) به همین منظور به تحلیل و بررسی نشانه ها با دو عنوان: موانع ارتباط و رفع موانع پرداختیم، تا ارتباط این عوامل با نشانه های یاد شده آشکارتر گردد.

۵. مبانی نظری

موانع ارتباط در داستان های عاشقانه

از آنجا که موانع ارتباط رابطه ی تنگنگی با نوع و منشأ عشق دارد، به طور مثال: در عشق های یک سویه موانع کمتری دیده می شود. برعکس در عشق انسان به پری چون پری موجود دست نیافتنی است؛ پس باید عاشق از موانع فراوان و گوناگونی بگذرد. گاهی نیز عشق خاص، مانع مخصوص به خود دارد. به عنوان مثال: عشق های کهن عربی با توجه به این که معمولاً عاشق و معشوق با مخالفت خانواده های خود روبه رو هستند، بنابراین قهرمان یا عاشق وقتی با مانع مخالفت خانواده معشوق، روبرو می گردد این مخالفت ممکن است با افزودن غیر طبیعی مهریه خود را نشان دهد که یا عاشق یا شخص دیگر و یا واسطه آن را می پردازد تا وصال سر بگیرد. زنان در منظومه های غنایی معمولاً دارای شخصیتی ایستا و منفعل هستند آنها درانتظار عاشقان نشسته‌اند. در واقع آنها درانتظار رفع موانع به وسیله قهرمان(عاشق) هستند، تا به وصال برسند. در این منظومه ها با کمتر داستانی مواجه می شویم که زنان فعال باشند. نظیر: خسرو و شیرین و ویس و رامین. با توجه به داشتن ریشه کهن این منظومه ها، فضا و زمان داستان ایران باستان است. این موضوع در تضاد با عشق های یک سویه شاهنامه است. در داستان «سهراب و گردآفرید، و سیاوش و سودابه موانع زیاد و دشواری های فراوانی وجود ندارد از این رو در هر دو ی این داستان ها با تأکید بر جنبه تراژیک مواجهیم» (عرب نژاد، ۱۳۹۵: ۳۵). یکی از مهم ترین اشکال مانع تراشی، آزمایش قهرمان است، بارزترین شکل آزمایش داماد را، در داستان رودابه می بینیم (پرسش موبدان از او) در داستان سیاوش در شکل برگزاری «ور» برای اثبات پاکدامنی است(همان: ۳۶) نمونه هایی از این گونه آزمایش ها در داستان لیلی و مجنون وجود دارد. «لیلی عاشق را آزمایش می کند این آزمایش بی مهری کردن به عاشق است تا عشق حقیقی او را ببیند»(ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۱۱). در داستان های عاشقانه ای که پیش گویی وجود دارد موانع کمتری وجود دارد و بدون درگیری است. اگر عاشق و معشوق از دو ملیت یا دو سرزمین باشد مانع، فاصله مکانی یا هجران و دوری است که سفر در آنها بسیار پرنگ است و زمینه ساز حوادث داستان می باشد. در داستان های عاشقانه مورد بحث هزار و یک شب، مانع تراشی آنگونه که در داستان های عاشقانه حماسی وجود دارد؛ دیده نمی شود. شاه مرادیان (۱۳۹۳) عشق های هزار و یک شب را هشت نوع می داند که برخی از آنها را در داستان های دوازده گانه مورد بحث بررسی می نماییم. در ادامه خلاصه ای از داستان ها را ذکر می کنیم و به موانع ارتباط آن ها، شیوه های حذف موانع و مباحث دیگر، می پردازیم.

عشق توصیفی

در این نوع عشق، شاهزاده با شنیدن وصف معشوق، شیفته ی او می شود. «قهرمان تنها با شنیدن نام یا وصف جمال دختر که متعلق به سرزمین دور است در دام عشق گرفتار می شود. سپس عاشق برمی خیزد و به راه می افتد تا به معشوق بپیوندد. آنچه به این قصه ها تحرک می بخشد فاصله ی جغرافیایی عاشق و معشوق است.» (ثمینی، ۱۳۷۹: ۲۶۲) مانند: داستان قمرالزمان و گوهری که از جمله ۱۲ داستان مورد بحث ما است. لازم به ذکر است این داستان در طبقه بندی عشق های ممنوعه نیز قرار می گیرد. قمرالزمان با شنیدن وصف دختر از زبان شیخ، عاشق او می شود. دلال، قمرالزمان را می فریبند. از طرف دیگر زن گوهری نیز با قمرالزمان همدست است و به او پیشنهاد می کند، تا هر بار گوهری را، نزد شوهرم ببر- که شیخ گوهریان است- و به او مال فراوان بده. عاشق از بدل مال دریغ نمی ورزد تا برای او انگشتی بسازد که این موضوع در بسیاری از داستان های عاشقانه دیده می شود و نشانه تکرار شونده است. در نهایت زن شیخ گوهری، به شوهرش خیانت می کند. عبدالرحمن که از این موضوع آگاه می شود مانع ازدواج آن ها می گردد و دختر خود کوکب الصباح را به قمرالزمان می دهد(طسوجی، ۱۳۷۹/ج ۲/۲۲۱۶).

عشق به کنیز پادشاه

در این نوع عشق، عاشق و معشوق سرنوشت گوناگونی پیدا می کنند. یعنی گاه، خلیفه یا سبب دوری آنها می شود یا هر دو را به وصال می رساند. حکایت شجره از نوع دوم است. روزی ابوالحسن در حجره نشسته بود دختری زیبا به حجره او می آید دختر(شجره الدار) هر بار به بهانه های گوناگون زر و دینار از ابوالحسن می گیرد. عاشق(ابوالحسن) به خیاط که نقش واسطه را دارد؛ هدایای ارزشمندی، می دهد تا او را به حجره خادمک(شجره الدار) راهنمایی کند. از طرف دیگر معشوق، نوازنده چیره دستی است و خلیفه نواختن او را دوست دارد. طبق رسم نوازندگی به شجره الدار می گوید: چیزی از من بخواه. شجره الدار می گوید: تمنای من این است که مرا آزاد کنی. خلیفه او را به خاطر خدا آزاد می کند(همان، ج ۲/۲۱۹۹).

عشق انسان به پری

این نوع عشق، بیشترین بسامد را در داستان های مورد بحث ما دارد. به طوری که سه داستان از دوازده داستان را در بر می گیرد. داستان های حسن بصری و نورالنسا، جان شاه و شمس و بدر با سم و جوهره، از این قبیل هستند. که به ترتیب: در اولین داستان حسن بصری بازرگان زاده است و نورالنسا «پری» مرد

عجمی، عاشق حسن) را بیهوش می کند و در صندوقی می افکند و به کوه «جبل سحاب» می رسد. قصری در آن جا هست که سه دختر در آن قصر زندگی می کنند. نورالنسا دختر کوچک است و به عاشق پیشنهاد می کند؛ اگر می خواهی به وصال من برسی؛ همین جا بمان. ماجراهای گوناگونی اتفاق می افتد، تا این که زبیده زن هارون الرشید به کنیز می گوید: تا جامه پر نورالنسا را به خانه حسن ببرد و در نتیجه وصال میسر می گردد (طسوجی، ۱۳۷۹/ج ۱: ۱۷۹۸: ۲). در دومین داستان نیز که شیخ نصر یاری گر است جامه پر شمشه را به جانشاه می دهد ولی موجود دریایی پای او را نیش می زند در راه معشوق جان می سپارد (همان، ج ۲: ۱۲۱۰). در سومین داستان، جوهره که یک پری است قدرت فراوانی دارد. بدر با اسم را به شکل پرنده ای در می آورد و به کمک شیخ عبدالله و کنیزک، وصال ممکن می گردد (همان، ج ۲: ۱۷۱۰).

عشق کهن عربی

عشق های کهن عربی ساختاری دیگر دارند. «شخصیت های این داستان غمگین اند به علت مخالفت قبایل یا خانواده هایشان از هم دورند و از درد فراق می سوزند» (شاه مرادیان، ۱۳۹۳: ۸۲). حکایت عبدالله بن معمر قیسی از این نوع عشق است که دل دادگی ریا و عتبه است. عبدالله به عتبه می گوید: من مالی دارم، می خواهم در راه تو صرف کنم. به دستور ریا، غطریف پدرش، مهر بر آنها گران می کند. عبدالله مهر را می پردازد. راهزنان عتبه را می کشند و ریا فریاد می زند و جان می سپارد (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۵۷۳).

عشق کنیز به صاحبش

داستان علی ابن مجد و کنیزک را، می توان از نوع عشق کنیز به صاحبش به حساب آورد. «در این نوع عشق کنیز همه ی تلاشش را می کند تا به صاحبش برسد» (شاه مرادیان، ۱۳۹۳: ۸۳). علی پسر بازرگان است که روزی می بیند، کنیزی به بازار برای فروش آورده اند زمرد (کنیز) آهسته دست در جیب می برد و زر به علی می دهد، تا او بتواند زمرد را بخرد. پس از ماجراهای گوناگون به کمک عجزه ای وصال آنها میسر می شود (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۷۹). لازم به ذکر است در داستان های مورد بحث از انواع هشت گانه عشق، عشق هم رتبان و عشق توأم با حسادت به کنیز وجود نداشت.

بررسی و تحلیل موانع و رفع موانع در داستان های عاشقانه هزار و یک شب

اردشیر و حیات النفوس

عشق اردشیر و حیات النفوس دو سویه است. به همین سبب عاشق و معشوق هر دو در رفع موانع کمک می کنند. عاشق به وسیله فرستادن هدایا و دینار به همراه نامه، تغییر نقش (به شکل بازرگان)، عازم سفر شدن، مشورت با عجزه، و تصویرگری بر دیوار در تلاش است تا موانع را بر طرف سازد. اولین مانع که باور های هذیبانی معشوق نسبت به مردان است در نتیجه مانع خود بزرگ بینی معشوق بر طرف می گردد و به دوری گزینی او درمان می گردد. لازم به ذکر است این اولین داستان عاشقانه هزار و یک شب است که داستان سرایان از نمادها برای رفع موانع ارتباط بهره می گیرند.

موانع ارتباط

۱- باور های هذیبانی^۱ معشوق: حیات النفوس که نسبت به مردم باور های هذیبانی دارد آنها را خائن می داند. به همین سبب از اردشیر (عاشق) که فرزند پادشاه شیراز (اعظم شاه) است؛ دوری می گزیند. «آن دختر به سبب خوابی، مردان را ناخوش می داشت و کسی در نزد او نام مردان نمی توانست برد.» (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۲/ ۱۶۷۰).

۲- خیانت مردان؛ آن دختر به سبب خوابی مردان را ناخوش می داشت. (همان، ج ۲/ ۱۶۷۰).

۳- دوری گزینی از اجتماعات: که دختری است خردسال و به کارهای دنیا آگاهی ندارد و در تمامت عمر از قصر خویشتن بیرون نیامده مگر برای تفریح در باغ. (همان، ج ۲: ۱۶۷۵) ۴- خود بزرگ پنداری: مثال گفت: ای دایه، این پلیدک، به کدام جرئت این سخنان به دختران ملوک نوشته؟ در میان من و این سگ چه نسبت است که او با من مکاتبه می کند. (همان، ج ۲/ ۱۶۷۷).

برای آگاهی از تفصیل داستان ر.ک. (طسوجی تیریزی: ۱۳۷۹-۱)

رفع موانع

معمولا موانع به وسیله خود قهرمان بر طرف می شود یعنی حذف مانع که (دوری عاشق و معشوق) است به وسیله سفر میسر می گردد. وزیر پیشنهاد می کند تا بر دیوار قصر پرند ی نرینه را نقاشی کنند که در چنگال شاهین گرفتار شده است. این تصویر حیات النفوس را آگاه می سازد که شاید مانعی بر سر راه اردشیر بوده، که به یاری جفت خود نیامده و در نتیجه مانند پرند ای طعمه ی شاهین شده است. این موضوع حیات النفوس مغرور را آرام می کند، در نتیجه مانع خودبزرگ بینی معشوق نیز بر طرف می گردد و با ازدواج، دوری گزینی او درمان می گردد. لازم به ذکر است این اولین داستان عاشقانه هزار و یک شب است که داستان سرایان از نماد برای رفع موانع ارتباط بهره می گیرند. در پایان هنگامی که خادم حیات النفوس به پدرش (عبدالقادر) می گوید اردشیر از شاهزادگان است همین امر سبب می شود تا با ازدواج او موافقت می کنند.

ابوعیسی و قره العین

موانع ارتباط

موانع ارتباط در این داستان به شرح ذیل است :

۱- حضور رقیب صاحب منصب (خلیفه و هشام).

۲- ممنوعیت اجتماعی: کنیز بودن در قصر، عدم آزادی کنیز در حق انتخاب، تعیین تکلیف کردن آن توسط خلیفه از موارد این ممنوعیت است (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۱ / ۱۰۶۴).

۳- (خلیفه و هشام) ابوعیسی (عاشق) چون برادر خلیفه است؛ از خلیفه کمک می گیرد تا به کنیز ابن هشام (قره العین)، برسد. بنابراین با حيله و چاره گری مهمان ابن هشام می شود (همان، ج ۱ / ۱۰۶۲).

رفع موانع

ابوعیسی که رقیب ابن هشام بود؛ خود به چاره گری می پردازد و از قدرت برادر خود - که خلیفه است - برای رسیدن به معشوق (قره العین) بهره می گیرد. در نتیجه ابن هشام که صاحب کنیز است؛ پس از آن که تغنی های سوزناک کنیزش را می شنود؛ او را به ابن هشام - که عاشق حقیقی است - می بخشد. بنابراین موسیقی و اشعار تغزلی را می توان از ابزار رفع موانع به حساب آورد.

عبدالله بن معمر قیسی

موانع ارتباط

موانع در این داستان عبارتند از :

۱- غیبت ناگهانی ریا (معشوق): پس از آن مرا گذاشته برفت و تا اکنون از او خبری نشنیده و بر اثر او آگاه نشده ام (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۲ / ۱۵۷۴) در این داستان از یک طرف عاشق (عتبه) کمترین حضور را دارد و از طرف دیگر معشوق که از خشم پدرش، غطریف در هراس است؛ از نظر ها غایب می شود و به سماوه می رود ولی دل در گرو عاشق دارد.

۲- پدر متعصب ریا: آنگاه خشمگین برخاسته و به ریا گفت: قومی از انصار به من وارد شده اند و ترا از من خواستگاری می کنند (همان، ج ۲ / ۱۵۷۵).

رفع موانع

اولین مانع که غیبت معشوق (ریا) است؛ سبب فراق و جدایی می شود. بنابراین عبدالله (واسطه) که جنبه مذهبی دارد همراه با یارانش (انصار) سبب وصال می شوند. این اولین داستان عاشقانه است که گروهی از واسطه ها موانع را بر طرف می کنند و برای وصال عاشق و معشوق در تلاش هستند و واسطه ها از بذل مال دریغ نمی ورزند. لازم به ذکر است در داستان های عاشقانه ی کهن عربی عشق را یک نوع مصیبت و گرفتاری می دانند. لیلی و مجنون نظامی را می توان از این نوع برشمرد که این موضوع پژوهش جداگانه ای را می طلبد. دومین مانع که به تعصب پدر معشوق اشاره دارد نیز، با بخشش مال واسطه، رفع می شود زیرا غطریف مهر را بر آنها گران می کند و عبدالله آن را می پردازد (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۲ / ۱۵۷۵).

شجره الدار

روزی ابوالحسن در غره نشسته بود. شجره الدار به هر بهانه ای زر و دینار از ابوالحسن می گیرد. ابوالحسن هدیه های ارزشمندی به خیاط می دهد، تا او را به حجره خادمک (شجره الدار) ببرد. مانع اصلی رقیب قدرتمند (خلیفه) است. نوی در هنگام آواز خوانی درخواست آزادی می کند. خلیفه می گوید: «لوجه الله آزاد کردم» در پایان، به وصال هم می رسند (طسوجی، ۱۳۷۹، ج ۲ / ۲۱۹۹).

حذف مانع

به وسیله قهرمان ابوالحسن و افراد دیگر ممکن می گردد. همچنین عاشق و معشوق چون از یک سرزمین نبودند و سفر عامل رفع هجران است.

علی بن مجد و کنیزک

۱- توانایی مالی نداشتن عاشق برای خرید کنیز: علی بن مجد چون توانایی خرید معشوق را ندارد خود معشوق در نقش یاری گر به عاشق زر می دهد تا توانایی خریدش را داشته باشد (ج ۱ / ص ۸۸۴).

۲- حضور رقیبی به نام رشیدالدین: رشیدالدین که روز اول می خواست زمرد را بخرد پرده ای را که - عاشق برای فروش آورده بود - می خرد. در غذای علی بن مجد بنگ می ریزد و او را بی هوش می سازد. کلید را از جیب علی می دزدد و به زور زمرد را می برد و شکنجه می کند.

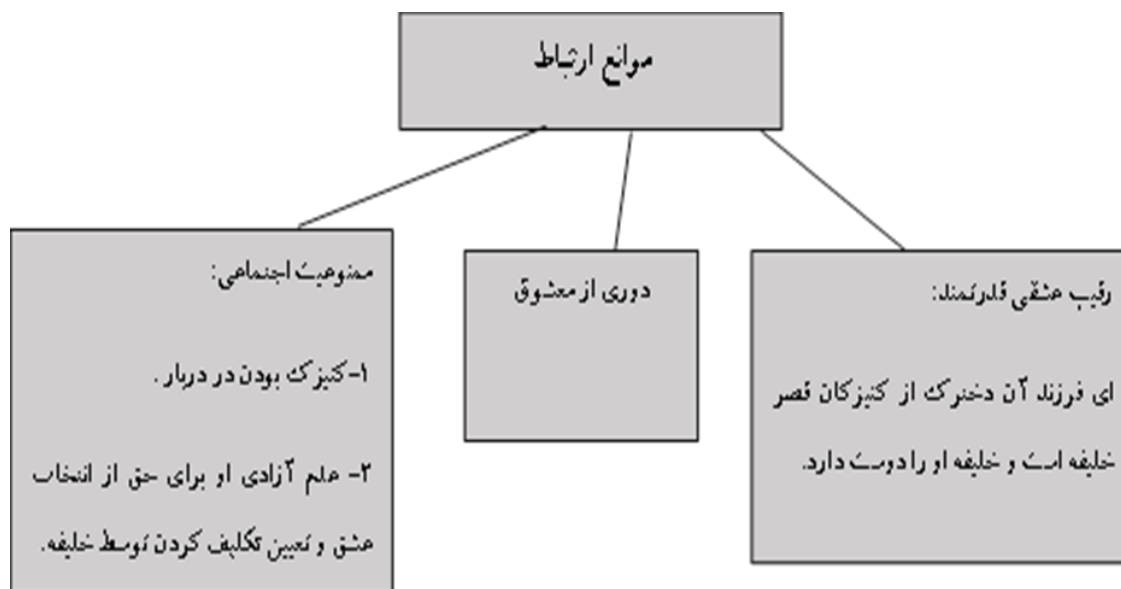
۳- دزدی به نام جوان گرد (شورور) (ج ۱ / ص ۸۹۴).

رفع موانع

۱- اولین مانع با چاره اندیشی معشوق به وسیله کم کردن قیمت و پرداخت آن توسط خود معشوق بر طرف می گردد.

۲- دومین مانع که برداشتن رقیب است با چاره گری عجزوزه، بر طرف می شود زیرا عجزوزه به علی بن مجد توصیه می کند مانند دلان قفسی بسازد و دستبند و خلخال بفروشد تا زمرد را پیدا کند.

۳- سومین مانع با شجاعت معشوق و کشتن شورور و بدل کشی و عیاری او بر طرف می شود زیرا پس از کشتن جوان گرد معشوق لباس او را می پوشد و شمشیرش را بر می دارد و عمامه اش را بر سر می گذارد و بر اسبی سوار می شود به شهری می رود. پادشاه آن شهر می شود و فقیر نوازی می کند تا با عُنج و دلال کردن (حرکتی برای جلب توجه عاشق) به عاشق (علی بن مجد) بفهماند که این ملکه زن است. بنابراین رفع سومین مانع سبب وصال می گردد.



بازرگان و زرباجه

خصلت های ناپسند عاشق: چون عاشق (بازرگان) دست نشسته زرباجه (نوعی غذا) خورده بود معشوق که - بسیار مغرور است- دستور می دهد که انگشت ابهام او را قطع کنند (ج ۱ / ص ۱۶۱).

دخالت منفی دیگران در انتخاب عاشق: سیده زبیده، زن هارون الرشید می گوید: «تا جوان را نبینم تو را به او تزویج او نمی کنم» (ج ۱ / ص ۱۵۸).

موانع ارتباط

- ۱- خصلت های ناپسند عاشق
- ۲- دخالت دیگران در انتخاب عاشق

رفع مانع

به وسیله معشوق است به خادم مشتی زر می دهد تا در کار او وساطت کند.

عاشق معصوم

موانع ارتباط

مهم ترین مانع یکسان نبودن مذهب است زیرا عاشق معصوم، مسلمان است و معشوق، دختری نصرانی است. این داستان کمترین مانع را دارد. عاشق بر سر دین خود می ماند و معشوق با دیدن خواب مسلمان می شود ولی وصال ممکن نمی گردد زیرا عاشق جان می سپارد و معشوق نیز که جان در گرو او دارد؛ با آمدن برسر قبر عاشق، جان به جانان تسلیم می کند.

رفع موانع

مانع با پا فشاری عاشق بر طرف می گردد. عامل رفع مانع، خواب دیدن معشوق است چون او در خواب می بیند که دو سیب بر می چیند یکی را خودش می خورد و دیگری را به راهب می دهد و او و یارانش مسلمان می شوند (ج ۲ / ص ۱۰۵۹)

ارتباط رویا و الهام برای تاثیر گذاری بر معشوق ممکن است بازگو کننده دخالت راویان مسلمان ناشی از تعصب مذهبی، در عشق های کهن عربی؛ باشد.

حسن بصری و نورالنسا

موانع ارتباط

- ۱- حضور شرور (مرد عجمی جادوگر): وی از حسن (عاشق) برای جادوگری و زرگری (تبدیل مس به طلا) بهره می گیرد. این موضوع زمینه آشنایی او را با معشوق فراهم می سازد. (ج ۱ / ص ۱۲۱۴)
- ۲- تفاوت در نوع خلقت: حسن بصری (انسان) و نورالنسا (پری) است. (همان، ج ۱ / ص ۱۲۱۴)
- ۳- حضور خواهر زن عاشق: نورالهدی (شرور) جدی ترین مانع است، زیرا نورالنسا و واسطه ی او را حبس و شکنجه می کند.
- ۴- سفرهای چندگانه در ممالک غریبه و وحشتناک و عدم آشنایی به جزیره واق.
- ۵- بیهوش کردن عاشق به وسیله ی مرد عجمی.

رفع موانع

رفع موانع برای حسن بصری مطرح شده است؛ توسط خود عاشق انجام می شود تا به این وسیله توانایی و لیاقتش را برای رسیدن به نورالنسا اثبات کند، اگر چه شخصیت های دیگر (شیخ عبدالقدوس و شیخ ابی الرویش، خواهر حسن) نیز در رفع آن کمک می کنند. همچنین عاشق ابزاری را که سبب جدایی او از معشوق می شود؛ می رباید. (جامه پر). در این داستان علاوه بر مانع، رفع مانع، ابزار مانع، عمل منع شده برای عاشق نیز وجود دارد؛ زیرا دختران قصر، حسن را از رفتن به غرفه منع می کنند. ولی عکس العمل عاشق، نپذیرفتن آن است که حوادث دیگر داستان را به وجود می آورد.

جانشاه و شمسه

موانع ارتباط

- ۱- تفاوت در جایگاه خلقت جن و انس زیرا جانشاه عاشق پری (شمسه) می شود. (ج ۲ / ص ۱۲۱۴)
- ۲- گرفتار شدن جانشاه در ممالک غریبه و آشنا نبودن با قلعه ی جوهر نگین:

رفع موانع

حذف این موانع توسط جانشاه صورت می گیرد اگر چه شخصیت های دیگر شیخ نصر (ص ۱۲۲۰) ملک وحشیان (ص ۱۲۳۶) ملک شماخ (ص ۱۲۳۸) نیز در رفع آن کمک می کنند.

بدر باسم و جوهره

موانع

- ۱- پایین بودن شأن بدر باسم و جایگاه او (ج ۲/ص ۱۷۲۵)
- ۲- غیبت طولانی بدر باسم و فرستادن او به جزیره ی معطشه. (به علت جادوی جوهره) (ج ۲/ ۱۷۳۰)
- ۳- گیر کردن در شهر ساحران (ج ۲/ ۱۷۳۲)

رفع موانع

حذف این موانع که برای بدر باسم مطرح شده است، توسط خود قهرمان انجام می شود. زن ملک که ساحرترین اهل زمان بود و شیخ بقال نیز در رفع آن موانع کمک می کنند. (ج ۲/ص ۱۷۳۲)

حکایت دو وزیر

موانع ارتباط

- ۱- از موانع ارتباطی اصلی در داستان دو وزیر، حضور ملک محمد بن سلیمان زینی است، که وزیر (فضل بن خاقان) از ترس افشای ما وقع کنیزک، برای جلوگیری از آبروریزی سعی در پنهان داشتن کنیزک دارد. فضل بن خاقان در نهایت کنیزک را به ازدواج پسر خود (علی نورالدین) در می آورد.
- ۲- وزیر بدخلق (معین بن ساوی) است که سعی می کند شخصیت فضل بن خاقان را تضعیف کند.
- ۳- معشوق (انیس الجلیسی) با علی نورالدین از لحاظ اقتصادی و اجتماعی هم شأن نیستند.

رفع موانع

حذف این موانع بوسیله یاریگر (شیخ ابراهیم باغبان) و مادر علی نورالدین، ممکن می گردد.

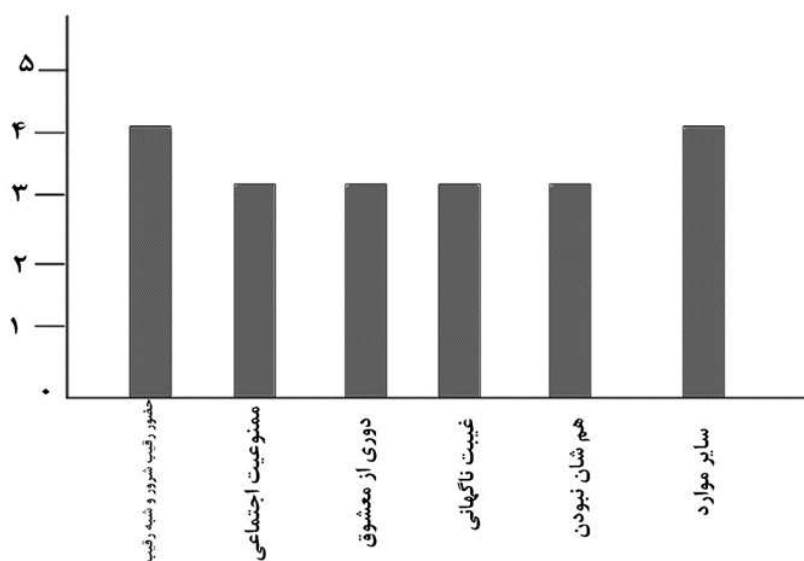
قمرالزمان و گوهری

موانع ارتباط

- ۱- حضور رقیب: گوهری
- ۲- ممنوعیت های شرعی و اجتماعی: زیرا قمرالزمان شیفته زن گوهری شده بود. زن گوهری خودش را می کشد و عبدالرحمن دختر خود کوکبالصباح را به او می دهد. (ج ۲/ص ۲۲۴۳) «چگونه تو کسی را تزویج کنی که با شوهر خود این کارها کرده؟! از بهر دیگری نیز با تو بدان سان کند که از خائن ایمن نتوان بود.» (ج ۲/ص ۲۲۴۳)

رفع موانع

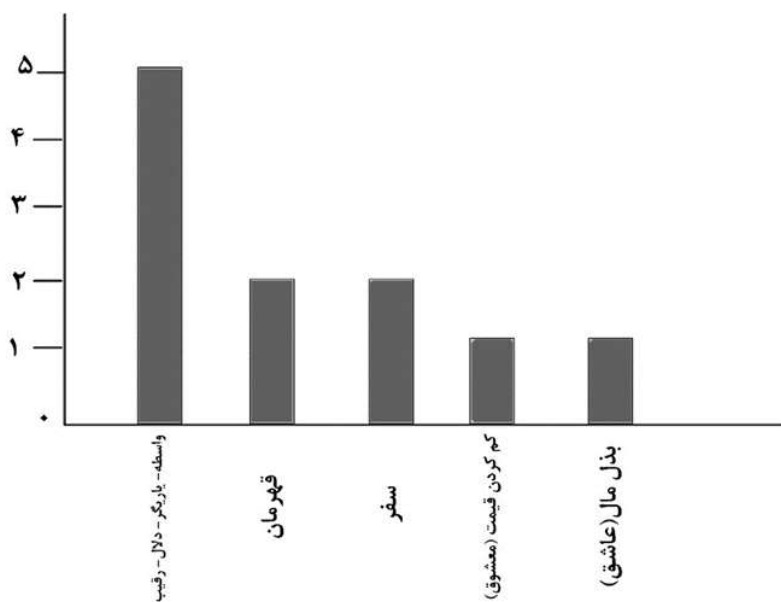
حذف این موانع که برای قمرالزمان مطرح شده است، توسط خود عاشق انجام می شود. اگر چه شخصیت های دیگر مانند پدر قمرالزمان و دلاک و زنش نیز در رفع آن کمک می کنند.



نمودار شماره ۱- موانع ارتباط

۶. بررسی نمودار شماره ۱ موانع ارتباط

حضور رقیب، شرور، فریب بزرگ ترین مانع در داستان های مورد بحث است که در داستان های ۱۲-۸-۵-۲ دیده می شود لازم به ذکر است، شرارت در داستان های عاشقانه با حماسی متفاوت است. در داستان های غنایی عامیانه که عنصر شرارت لازمه شکل گیری گره داستانی است برخلاف داستان های غنایی کلاسیک که حضور رقیب را در برخی از آنها مشاهده می کنیم در داستان های حماسی دشمنی و در نهایت جنگ بروز می کند (عرب نژاد، ۱۳۹۵: ۳۳). باید متذکر شویم گاهی رقیب عشق در رفع مانع به عشاق کمک می کند این موضوع قابل تامل است معمولاً خلیفه یا افراد صاحب مذهب رقیب عاشق است که عاشق را بر خود مقدم می داند. ممنوعیت اجتماعی و شرعی بیشتر در شکل تعصب پدر معشوق نمود پیدا می کند در داستان های ۱۲-۴-۲ دیده می شود مانع دیگر دوری از معشوق است که در داستان های ۵-۳-۱ دیده می شود. حذف مانع به وسیله سفر و جستجوی معشوق بر طرف می گردد که حوادث ناگواری را رقم می زند. موانع دیگر غیبت ناگهانی و هم شان نبودن عاشق و معشوق است که به ترتیب در داستان های ۱۱-۱۰-۳ و ۱۰-۵-۳ وجود دارد سایر موانع نیز از باورهای هذیانی معشوق، پدر متعصب، دخالت منفی دیگران، تفاوت مذهب به ترتیب در داستان های ۷ و ۶ و ۳ و ۱ مشاهده می گردد.



نمودار شماره ۲- حذف موانع

۷. بررسی نمودار شماره ۲ حذف موانع ارتباط

بیشترین بسامد در این نمودار واسطه، یاریگر، دلال و رقیب است این موضوع بیانگر اهمیت تجارت کنیزاست که نقش عمده ای در داستان های عاشقانه هزار و یک شب دارد که در داستان های ۱۱- ۸- ۵- ۲ مشاهده می شود. در این نمودار به جز واسطه یاریگر دلال، رقیب و کم کردن قیمت خود (معشوق) بقیه موارد با عاشق در ارتباط است باین حساب قهرمان - سفر، بذل مال عاشق که به ترتیب در داستان های (۳ و ۱) (۱۲ و ۱۰) (۶) (۵) دیده می شود.

۸. نتیجه گیری

نویسندگان در روند این پژوهش دریافتند که:

- ۱- حضور رقیب، شرور، شبه شرور بزرگترین مانع است این موضوع بیانگر جدال بر سر معشوق کنیز است که در منظومه هایی چون لیلی و مجنون نیز دیده می شود. نظیر داستان های ابوعیسی و قره العین، شجره الدار، حسن بصری و نورالنسا و دو وزیر.
- ۲- در داستان هایی که پری حضور دارد عاشق هرگونه خطری را با جان پذیرا است و با تنوع و بسامد بالای موانع روبرو است. نظیر: داستان های حسن بصری و نورالنسا، جان شاه و شمس، بدراسم و جوهره.
- ۳- در عشق های یک سویه موانع اندک است برخی از این عشق ها تنها مانع اختلاف در مذهب است که تنها موردی است که مانع بعد از وصال برطرف می گردد یعنی بعد از مرگ عاشق مانع برطرف می گردد.
- ۴- در عشق های توصیفی نقش یاریگر، واسطه و دلال پررنگ تر است این موضوع ناشی از تجارت کنیزها می باشد.
- ۵- وجود موانع فراوان بازگو کننده دغدغه های زنانه شهرزاد در داستان بنیادین هزار و یک شب برای وصال به شهریار است و به گونه ای ژرف ساخت داستان های عاشقانه یاد شده، توصیه به عاشق در رفع موانع نهفته است. به این منظور معشوق (شهریار) علاوه بر تغییر نگرش شهریار نسبت به خود (معشوق)؛ به رفع مانع که- که مهم ترین گره داستان عاشقانه است - دست یافته است. بنابراین معشوق نیز نوعی یاری گر است.

منابع

- ۱) احمدی بابک (۱۳۸۲) **ساختار تأویل متن**، چاپ ششم، تهران: مرکز.
- ۲) آلن گراهام (۱۳۸۵) **رولان بارت ترجمه پیام یزدان جو**، چاپ اول، تهران، مرکز نشر.
- ۳) پینارد، دیوید (۱۳۹۰) **شیوه های داستان پردازی در هزار و یک شب**، ترجمه فریدون بدره ای، شرکت نشر کتاب هرمس.
- ۴) تمیم داری، احمد، عباسی، سمانه (۱۳۹۱) «**نقد و تحلیل ساختاری و نشانه شناسی داستان های عاشقانه هزار و یک شب**»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی، سال پنجم، شماره اول- شماره پیاپی ۱۵ ص ۲۲-۹.
- ۵) ثمینی نغمه، (۱۳۷۹) **عشق و شعبده** (پژوهشی در هزار افسان)، تهران: توس.
- ۶) ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲) **زبان و ادبیات عامه ایران**، چاپ اول، تهران، سمت.
- ۷) ----- (۱۳۹۴) **یکصد منظومه عاشقانه فارسی**، چاپ دوم - تهران، نشر چرخ.
- ۸) ریپکا، یان (۱۳۸۳) **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه ابوالفضل سری، جلد دوم تهران: سخن.
- ۹) شاه مرادیان، کامران، ابراهیمی، شایسته (۱۳۹۳) «**طبقه بندی و ریشه یابی داستان های عاشقانه هزار و یک شب با رویکرد نقد ساختار گرای تکوینی**»، کهن نامه ادب پارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۸۹۶۷.
- ۱۰) طسوجی تبریزی، عبداللطیف (۱۳۷۹) **هزار و یک شب**، دو جلد، تهران، هرمس.
- ۱۱) هوانسیان، ریچارد جی - صباغ (۱۳۹۰) **هزار و یک شب در ادبیات و جامعه اسلامی**، فریدون بدره ای، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس.
- ۱۲) عنابستانی، آمنه (۱۳۶۹)، **نگاه بومی و اقلیمی به اشعار مهدی اخوان ثالث**، دانشگاه پیام نور واحد لواسانات.
- ۱۳) کاخی، مرتضی (۱۳۷۱)، **صدای حیرت بیدار**، تهران: زمستان.
- ۱۴) معین، محمد (۱۳۸۸)، **فرهنگ فارسی معین** (شش جلدی)، جلد ۱، تهران: امیر کبیر.
- ۱۵) ولک، رنه (۱۳۷۷)، **مفهوم رمانتی سیسم در تاریخ ادبی**، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، تهران: محقق.
- ۱۶) هاوزر، آرنولد (۱۳۶۲)، **تاریخ اجتماعی هنر**، ترجمه امین مؤید، جلد ۳ و ۴، تهران: دنیای نو.

Barriers to communication in One Thousand and One Nights love stories

Qanbar Qudusian¹, Hassan Basak², Reza Ashrafzadeh³

¹ Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

* ² Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.
(Responsible Author)

³ Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Corresponding author: bassak@pnu.ac.ir

Received date: 1400/12/18, accepted date: 1401/03/18

Abstract

One of the signs of love stories is the existence of an obstacle, which covers most of these stories. In the present study, first one thousand and one nights were examined in terms of content, then twelve love stories were extracted. In such a way that it recounts the lyrical signs of other stories. In order to be able to generalize the research results to other love stories in addition to the stories of One Thousand and One Nights. The importance of this research is that the level of difficulty of the obstacles and how to overcome them, in addition to adding to the appeal of the story, reveals connection with other romantic signs such as betting, carpentry, deception, evil, etc. The results of this research, which has been done by descriptive method and content analysis based on Roland Barthes's semiotic theory shows that: 1- In one-sided loves, such as the story of two ministers, there is a small obstacle. 2- While in other stories like Hasan Basri, NoNesa, Badr Basem and Johari since the loved one is a fairy the barriers have high diversity and frequency.

Keywords: semiotics, love stories, communication barriers.